

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقشه ۲۴

سطح ۲

درس ۸

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای خادمی

مقدمه

در درس گذشته ادله ای جواز نگاه کردن به دست و صورت تبیین و بررسی شد و نیز مبحث نگاه کردن زن به مرد و اقوال در مساله بیان شد.

مصنف در این درس در ابتدا به رد ادله قائلین حرمت نگاه زن به مرد می پردازد و در ادامه ادله بعضی از احکام را مورد بررسی قرار می دهد که عبارتند از:

الف) ادله جواز نگاه کردن زن یا مرد به بدن همجنس خودش

ب) ادله مستثنیات حرمت نگاه مانند؛ مقام ضرورت، زنان یائسه، دختران غیربالغ، زنی که قصد ازدواج با او را دارد.

اشکالات بر ادله حرمت نگاه زن به مرد

برای حرمت نگاه کردن زنها به آن مقدار از بدن مرد ها که عرفا نمی پوشانند به ادله ای از آیات و روایات تمسک شد اما بر این ادله اشکالاتی وارد است:

اشکال آیه «یغضضن من ابصارهن»

الف: اما معنای لغوی غض در آیه قرآن «یغضضن ابصارهن»، فرو بستن چشم نیست بلکه به معنای خیره نشدن است بنابراین برای حرمت نگاه نمی توان تمسک به آیه نمود.

اشکال روایت برقی

ب: اما روایت برقی بر فرض که دلالتش را تمام بدانیم اما از جهت سند مشکل دارد؛ زیرا برقی بدون واسطه از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند در حالی که فاصله زمانی بیش از چند قرن با آن حضرت دارد و روشن است که این روایت واسطه های متعددی داشته است که از سلسله سند ساقط شده و لذا این روایت مرسله است.

اشکال روایت طبرسی

ج: اما روایت نخست طبرسی که از حضرت زهراء سلام الله علیها نقل شده است این روایت از جهت سندی ضعیف است زیرا مرسله است و ثانیاً، این روایت از جهت دلالتی نیز نمی تواند بر مدعا دلالت نماید بلکه مدلول روایت این است که برای زنان بهتر است مردان نامحرم را نبینند و کمتر در کوچه و بازار حضور یابند این کجا و حرمت نگاه زنان به مردان کجا؟!^۱

د: این روایت نیز از جهت سند ضعیف است و مرسله است علاوه بر این که دلالت این روایت نیز مخدوش است و ممکن است کمال زن را مطرح کند نه حرمت نگاه را.

۱ . بقی هنا سؤال فی فقه هذه الروایات، و أنه كيف منعهن من النظر، و الحال إن النساء كن یأتین المساجد و یشتربن الأشياء عن الأسواق و غیرها، و كن یرینهم فكيف امرهن بالاحتجاب عن الضریر، و قد جرت سیرة المسلمین قديما و حديثا علی خلافه. و یمكن الجواب عنه، بأن ابن أم مكتوم أو مثله لم یكن مستورا من جميع الجهات ما عدا الوجه و الكفین، و كثير من الأعراب فی الصدر الأول، لم یكن لهم قمیص ظاهرا، و كان لهم ازار فقط، أو شيء شبيه ثوبی الاحرام، و كان یری شيء كثير من صدرهم أو ظهرهم - كما یستفاد من قصة سودة بن قیس أيضا - فلذا امرهن بالاحتجاب عنه، و إلا كان النظر إلى الوجه و الكفین أمرا متعارفا بینهم « أنوار الفقاهة - كتاب النكاح (لمكارم)، ص: ۸۱».

لذا هیچکدام از ادله حرمت نگاه زن به مرد صحیح نمی باشد.^۱

ادله جواز نگاه کردن به هم جنس

گفته شد که مردان و زنان می توانند به بدن هم جنس خود به جز عورت نگاه کند برای این حکم چند دلیل مطرح شده است:

۱. ضرورت: ضرورت فقهی جواز نگاه مرد به بدن مرد و زن به بدن زن است.
 ۲. سیره مسلمین: سیره متشرعه در طول تاریخ اسلامی بر همین مساله استوار بوده است.
 ۳. روایات حمام: در منابع اسلامی یک دسته از روایات آمده است که داخل شدن در حمام را بدون پوشش عورت (لنگ) منع کرده است^۲ و اگر نگاه به غیر عورت نیز حرام بود باید در روایات داخل شدن در حمام بدون لباس و پیراهن و شلوار نیز منع می شد.
 ۴. اقتضای اصل این است که جایز است همجنس به بدن همجنس نگاه کند مراد از این اصل اباحه نگاه به بدن است بجز عورت، و منشا این اصل صحیح حریز از امام صادق علیه السلام است: «مرد به عورت برادر مومن خود نگاه نکند» و روایات دیگری که در این باب آمده است.
- بنابر از مجموع این ادله استفاده می شود که نگاه کردن مرد به بدن مرد دیگر نگاه کردن زن به بدن زن دیگر جایز است.

۱. النظر الى غير المحجبات في التلفزيونات

آنچه من المسائل المستحدثة في عصرنا، هو اراءة الصور الخارجية من التلفزيونات، و كثيرا ما يكون أبدان الرجال مكشوفة فيما لا يحل كشفه في مقابل النساء، لا سيما في الالعب الرياضية؛ فهل يجوز نظر النساء غير المحارم إليها، و هل هناك فرق بين النشرات المباشرة و بين غير المباشرة و بين محدود المدار و غيره؟

و الجواب عن هذا السؤال، فرع العلم بعمل التلفزيون، و هو على ما ذكره أهله أن الكامرة التلفزيونية تأخذ الصورة الخارجية فتبدلها بأموج مخصوصة، ثم تلك الأمواج تنتقل إلى مدى بعيد و يأخذها أدوات خاصة في التلفزيون، و تبدلها بالصور النورية؛ فما نراه فيها ليس ذاك الشخص بعينه، بل هي الصورة الحادثة منه بعد انتقال الأمواج. و لا فرق في ذلك بين النشرات المباشرة و غير المباشرة، و لذا يغيرون التصاوير بأنواع التغيير، و يمزجونها تارة و يفرقونها اخرى.

فحينئذ يقع الكلام في أن أدلة حرمة النظر إلى الأجنبية هل تشملها أم لا؟ الظاهر، عدم شمولها لها، كعدم شمولها للنظر إلى صورة المرأة الأجنبية بما أنها صورة.

نعم، إذا كان ذلك سببا لبعض المفسد، كمشاهدة الأفلام المبتذلة و النساء العاريات و مجالس الخمر و غير ذلك؛ أو كان النظر بتلذذ، أو خيف الوقوع في الفتنة أو شبه ذلك، كان حراما بهذه الجهة، لا من باب النظر إلى الرجل أو المرأة غير ذات محرم.

و الاحتياط في كل حال حسن و هو طريق النجاة. و الله العالم. «أنوار الفقاهة - كتاب النكاح (لمكارم)؛ ص: ۹۱»

۲. الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ شُعْبَةَ فِي تَحْفِ الْعُقُولِ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ إِيَّاكَ وَ دُخُولَ الْحَمَامِ بِغَيْرِ مِزْرٍ - مَلْعُونٌ (مَلْعُونٌ) النَّاطِرُ وَ الْمَنْظُورُ إِلَيْهِ. «وسائل الشيعة؛ ج ۲، ص: ۳۳»

تطبيق

متن: و الكل كما ترى.

ترجمه: و تمام ادله ای که برای حرمت نگاه زن به مرد بیان شده است همان طور که می بینی باطل است.

متن: اما الاول فلما تقدم من عدم مساوقة غضّ البصر لترك النظر رأسا.

ترجمه: اما اشکال دلیل اول این است که همان طوری که گذشت غضّ بصر به معنای ترک نگاه کردن نیست (یعنی اصل نگاه کردن با کوتاه کردن نگاه (غض بصر) کاملا متفاوت است).

متن: و اما الثانی فعلى تقدير تمامية دلالاته على التحريم هو ضعيف السند بالارسال لبعده عن عصر البرقى عن عصر النبى صلى الله عليه و آله.

ترجمه: اشکال دوم این که بر فرضی که دلالت دلیل دوم بر حرمت نظر تمام باشد (اما) سند آن به وسیله ارسال ضعیف است؛ زیرا زمان برقى از زمان پیامبر صلى الله عليه و آله دور است.

متن: و اما الاخيران فلضعفهما بالارسال على تقدير تمامية دلالتهما.

ترجمه: و اما اشکال دو دلیل آخر این که به دلیل مرسله بودن ضعیف می باشند حتی اگر دلالت آن ها تمام باشد.

متن: ۴- و اما جواز النظر إلى بدن المماثل ما عدا العورة، فهو من الضروريات، و تقتضيه سيرة المسلمين، و روایات باب الحمام الناهية عن دخول الحمام الا بمئزر^۱.

ترجمه: و اما مستند جواز نگاه به بدن همجنس بجزء عورت، ضرورت دین است و مقتضای سیره مسلمانان در روایات باب حمام که داخل شدن در حمام را بدون مئزر (لنگ) منع می کند، جواز نظر است.

متن: بل لا حاجة إلى دليل على الجواز بعد كونه مقتضى الاصل الذى خرج منه خصوص النظر الى العورة بالدليل الشرعى، كصحيحة حريز عن ابى عبد الله عليه السلام: «لا ينظر الرجل إلى عورة أخيه»^۲ و غيرها.

ترجمه: بلکه برای جواز نگاه به دلیل نیاز نداریم زیرا جواز طبق مقتضی اصل بوده و فقط نظر به عورت با دلیل شرعی از این اصل جواز خارج شده است مانند صحیح حریز از امام صادق علیه السلام: «مرد به عورت برادر خود نگاه نکند» و غیر این روایت.

توضیح: دلیل بر جواز نگاه کردن به نامحرم در ضرورت

مورد دوم از مواردی که از حکم کلی حرمت نگاه کردن خارج شده است جایی است که ضرورت مقتضی نگاه^۳ به بدن نامحرم است و دلیل بر جواز قاعده باب تراحم است؛ زیرا در جایی که بین دو دلیل در مقام امتثال تعارض به

۱. وسائل الشیعة ۱: ۳۶۷ الباب ۹ من أبواب آداب الحمام.

۲. وسائل الشیعة ۱: ۳۶۳ الباب ۳ من أبواب آداب الحمام الحديث ۱.

۳. یستثنى موردین أحدهما اعم من الآخر؛ أمّا الأعم، فهو مقام الضرورة و هذا العنوان عنوان عام يشمل كل ضرورة دينية أو دنيوية؛ و الأخص، هو مقام المعالجة. و ذكر المحقق البيهقي، في العروة الوثقى، أربعة موارد؛ و أضاف إلى الموردین، موردین آخرين: مقام معارضة كل ما هو أهم في نظر الشارع؛ و مقام الشهادة. و في الحقيقة، جميع ذلك تندرج في قاعدة الأهم و المهم، لأن في موارد المعالجة أو الضرورة أو الشهادة، دائما يدور الأمر بين ما يكون

وجود آید موضوع بر اهمیت کم اهمیت مقدم می‌شود مثلاً اگر فردی در حال غرق شدن است و نجات او متوقف است بر دیدن یا لمس بدن نامحرم است، ناجی می‌تواند او را ببیند یا لمس کند.^۱ از نکته فوق یک قاعده کلی به دست می‌آید و آن این که در هر موردی که بین نگاه یا لمس با موضوع دیگری که از نظر شارع کم اهمیت تر از نگاه و لمس است تضاد و تزاومی به وجود آید حکم جواز نگاه شامل او نیز می‌شود.

دلیل بر جواز نگاه کردن به زنان زمینگیر

دسته دیگری که از حرمت نگاه کردن استثنا شده است زنانی هستند که پیر و زمینگیر شده‌اند و امید ازدواج ندارند دلیل بر این استثنا آیه قرآن کریم است: « و نیز زنان یائسه‌ای که رغبت و امید زناشویی با آنان نیست بر آنان گناهی نیست که لباس رسمی خود را فروگذارند اما نباید با آرایش و زینت خود را نمایان سازند در عین حال اگر خویشنداری کنند و با پوشش کامل عفت خود را نشان دهند برای آنان بهتر است»^۲.

مراعاته أهم من حرمة النظر أو اللمس، فإن حفظ النفس عند المرض أو عند خوف الغرق أو الحرق، حفظ الحقوق عند الشهادة، أهم في نظر الشارع من حرمة اللمس والنظر، كما هو ظاهر. حتى أن إباحة النظر عند إرادة التزويج أيضا من هذا الباب. فالأولى أن يجعل عنوان الاستثناء، موارد تعارض الأهم والمهم، ثم يذكر أمثله و مصاديقه، وهذا اضبط لبيان الموضوع والحكم.

۱. الضرورات تتقدر بقدرها

هذه أيضا قاعدة عقلانية، كما أن الجواز عند الضرورة كذلك، وهذه من قضايا قياساتها معها، وإن شئت قلت: الأصل هو الحرمة، خرجنا منه بمقدار يدل عليه الدليل، و هو مقدار الضرورة، فيبقى الباقي تحته، فلا يجوز التعدي عن المقدار اللازم في كل مقام.

۲. و على كل حال، الأصل في هذا الحكم هو الآية الشريفة وقع الكلام فيها من ثلاث جهات:

۱- من جهة معنى القواعد، و هو جمع قاعد، أما بمعنى القعود عن الحيض، أو عن الولادة، أو عن النكاح. و يمكن إن يقال جميعها متقاربة؛ و لكن الانصاف أن المرأة إذا بلغت خمسين سنة، لا تقعد عن النكاح، لوجود الرغبة فيهن في الجملة، و كذا قعدت عن الولادة. فالأولى أن يقال ان المراد منه، القعود عن النكاح، كما يفسره قوله تعالى: «اللَّاتِي لَأَبْرُؤُونَ نِكَاحاً»، فعلى الاولين، القيد احترازي، و على الأخير توضيحي؛ و لعل ذلك يختلف باختلاف الأشخاص و ليس لها سنّ معين، و الحكم يدور مدار الوصف.

۲- من ناحية تفسير الثياب، لا شك أنه ليس المراد وضع جميع ثيابهن و صيرورتهن عراة. حينئذ يقع الكلام في المقدار الجائز، فهل هو الجلباب فقط، أو هو مع المقنعة، أو هما مع الخمار.

و لكن الانصاف، أن وضع الثياب عام من هذه الجهة أي يشمل الجلباب و المقنعة و الخمار، فيظهر شعرها كلها و بعض الذراع و بعض الساق. اللهم إلا أن يقال ترك ستر الشعر كله غير متعارف بين المسلمين، حتى في حق العجائز، بل يرويه قبيحا من أي امرأة كان. فتأمل.

۳- من ناحية قوله تعالى: «غَيْرِ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ»، هل هو كما ذكره الزمخشري في الكشاف ذيل الآية بمعنى؛ غير مظهرات زينتها؛ ليكون حالا عن تلك النساء بعد وضع ثيابهن. أو يكون كما ذكره الطبرسي (قدس الله سره الشريف)، و ذكره الزمخشري بعنوان تفسير آخر بمعنى؛ غير قاصدات بالوضع، التبرج؛ فيكون حالا لهن عند قصد وضع الثياب. و إن كان مآل التفسيرين يكون واحدا. فلا يجوز لهن التبرج بالزينة الباطنة، كإظهار القرط و القلادة و الدستوار و غيرها من أشباهها.

دلیل بر جواز نگاه کردن به دختران نابالغ

ادله ای که بر حرمت نگاه به نامحرم مطرح شد همه آن ادله به افراد بالغ اختصاص داشت و نسبت به شامل شدن افراد نابالغ قصور دارد بنابر این اگر دلیل حرمت نگاه را ضرورت فقهی بدانیم قدر متیقن از آن، زنان بالغند؛ زیرا ضرورت فقهی دلیل لبی است و لذا به قدر متیقن اکتفا می شود و اگر دلیل حرمت نظر را از ادله حرمت آشکار ساختن زینت استفاده کنیم این دلیل نیز مختص به افراد بالغ است^۱ و نیز اگر دلیل حرمت نگاه از ادله ای که صورت و کفین را استثنا کرده است استفاده کنیم این دلیل نیز اختصاص به افراد بالغ دارد.

اگر مستند حرمت نگاه به نامحرم روایاتی باشد که می گوید نگاه کردن تیری از تیرهای ابلیس است^۲ در این صورت نیز این روایت شامل دختران نابالغ نمی شود؛ زیرا این روایت یک حکم اخلاقی را بیان می کند و دلالت بر حرمت نگاه به نامحرم نمی کند^۳.

تطبيق

متن: ۵- و اما استثناء حالة الضرورة، فلدخول المورد تحت باب التزاحم المقتضى لتقديم الأهم.

ترجمه: اما استثناء حالت ضرورت به این جهت است که مورد در باب تزاحم وارد شده است و تزاحم مقتضی تقدیم اهم بر مهم مقدم است.

متن: و منه يتضح ان الحكم بالجواز يعم كل حالة مزاحمة تكون مراعاتها أهم في نظر الشارع من مراعاة حرمة النظر أو اللمس.

ترجمه: با این استدلال حکم جواز شامل تمام حالات مزاحم که مراعات آن از نظر شارع مهمتر از رعایت حرمت نگاه و دست زدن می باشد.

۱. شاید از باب انصراف باشد خصوصا که دختران غیر بالغ آرایش نمی کنند و نیز دختر نابالغ تکلیف ندارد.

۲. ما عن علي بن عقبه، عن أبيه، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال سمعته يقول: النظرة سهم من سهام ابليس مسموم، و كم من نظرة اورثت حسرة طويلة.

و فی دلالتها أيضا إشكال ظاهر، لأن النظرة التي من سهام ابليس و توجب حسرة طويلة، منصرفة إلى ما فيها تلذذ.

و ايضا ما عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله أَنَّهُ قَالَ: النظرة سهم مسموم من سهام ابليس فمن تركها خوفا من الله، اعطاه إيمانا يجد حلاوته في قلبه. يظهر الإشكال في دلالتها مما سبقه.

۳. حکم النظر إلى الصبي و الصبية

أقول: هذه المسائل الثلاث، مرتبطة بعضها ببعض من حيث الأقوال و الأدلة، و لذا نتعرض لها في بحث واحد، و حاصل كلام المصنف، أن الصبي و الصبية إذا كانا غير مميزين كانا خارجين عن أحكام النظر منهما أو إليهما؛ و أما حكم الرجال بالنسبة إلى الصبية، فهو جواز النظر ما لم تبلغ بغير تلذذ. و اما حكم النساء بالنسبة إلى الصبي، فيجوز أيضا نظرهن إليه ما لم يبلغ. و أما بالنسبة إلى نظره إليهن، فالتفصيل بين ثوران الشهوة و عدمه؛ و اللازم ذكر صور المسألة أولا؛ ثم بيان أحكامها. فتقول:

إن الصبي أو الصبية، تارة يكون غير مميز، و اخرى مميز ليس له ثوران الشهوة و لا في مظانه، و تالفة يكون له ثوران الشهوة و إن لم يبلغ. لا خلاف بين الأعلام (رضوان الله تعالى عليهم) في الأول، و وقع الكلام في الأخيرين. «أنوار الفقاهة - كتاب النكاح (لمكارم)؛ ص: ۱۱۵»

متن: ۶- و اما استثناء النظر إلى القواعد من النساء، فلقوله تعالى: وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ^۱.

ترجمه: و اما استثنا نگاه به زنان یائسه به دلیل سخن خداوند بلند مرتبه است: «و نیز زنان یائسه که امید زناشویی با آنها نیست، بر آنان گناهی نیست که لباس (رسمی) خود را فرو گذارند اما نباید با آرایش و زینت خود را نمایان کنند و عفت آنان برای آنان بهتر است.»

متن: ۷- و اما جواز النظر إلى الصبية غير البالغة، فللقصور في المقتضى، فان حرمة النظر ان كانت مستفاداة من الضرورة الفقهية فالقدر المتيقن منها النظر إلى البالغة. و ان كانت مستفاداة من آية حرمة ابداء الزينة فهي خاصة بالبالغة أيضا. و ان كانت مستفاداة مما دلّ على استثناء الوجه و الكفين من حرمة الابداء فهو خاص بالبالغة أيضا.

ترجمه: نگاه کردن به دختر غیر بالغ جایز است زیرا قصور در مقتضی (حرمت نگاه به نامحرم) وجود دارد اگر چه حرمت نگاه از ضرورت فقهی ثابت می شود پس قدر متیقن از حرمت نگاه به دختر بالغ می باشد و اگر چه حرمت نگاه از آیه مذکور حرمت نمایان کردن زینت ثابت می شود پس حرمت نظر مختص به دختر بالغ است.

متن: و اما ما دلّ على ان النظر سهم من سهام ابليس و انه زنا العين^۲ فهو قاصر الدلالة عن افادة حرمة النظر كما هو واضح.

ترجمه: اما دلالت دلیلی که می گوید: نگاه تیری از تیرهای شیطان است و نگاه، زناى چشم است، پس دلالت آن بر حرمت نظر قاصر است همان طور که این قصور واضح است زیرا این روایت دلالت برای حرمت نگاه نمی کند، چه رسد از حرمت نگاه به دختر غیر بالغ.

توضیح: آشکار نمودن زینت برای افراد نابالغ

زن می تواند برای پسر بچه ای که هنوز بالغ نشده است زینت های خود را نمایان کند.

دلیل جواز آشکار نمودن زینت در مقابل صبی غیر بالغ

بر زن جایز است زینت خود را در مقابل صبی غیر بالغ آشکار نماید و دلیل این مطلب صحیحه بزنطی است، در مقابل این صحیحه، مقتضای مفهوم آیه قرآن دلالت بر عدم جواز آشکار نمودن می نماید؛ زیرا در آیه آشکار نمودن زینت را در مقابل صبی غیر ممیز جایز می داند و مفهوم آیه این است که آشکار نمودن زینت در مقابل صبی ممیز جایز نیست لذا بین آیه و صحیحه تعارض وجود دارد.

حل تعارض

آیه قرآن اطلاق دارد و آشکار نمودن زینت را در مقابل صبی ممیز و افراد بالغ جایز نمی داند امام صحیحه بزنطی مقید است و تنها جواز آشکار نمودن زینت صبی هر چند ممیز باشد جایز می داند لذا این صحیحه مقید اطلاق آیه قرآن می گردد.

۱. النور: ۶۰.

۲ وسائل الشیعه: ۱۴ / ۱۳۸، باب ۱۰۴ من ابواب مقدمات النکاح.

مستند جواز نگاه کردن به زنی که قصد ازدواج با او را دارد

اما ادله جواز نگاه کردن به زنی که قصد ازدواج با او را دارد عبارتند از:

الف) اتفاق فقها^۱

ب) روایات

ب) روایات: مثل صحیح هاشم بن سالم از امام صادق علیه السلام: «اشکالی ندارد مرد به صورت و جای دستبند

زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند نگاه کند»

و موثقه غیاث بن ابراهیم از امام علی علیه السلام: «مردی به محاسن و زینت زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند

نگاه می‌کند، امام علیه السلام فرمود: اشکالی ندارد^۲ او طالب است و اگر این امر (نگاه مرد) تمام شود با او ازدواج

می‌کند»^۳

تطبیق

متن: ۸- و اما تکشف المرأة لدى غير البالغ، فمقتضى المفهوم في قوله تعالى: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ ... أَوْ

الطُّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ» عدم جوازه الا ان مقتضى صحيحة البزنطی عن الرضا عليه السلام: «يؤخذ

۱. أمّا أصل المسألة على إجمالها، فهو ممّا أجمع الأصحاب عليه، بل ادعى الإجماع عليه جماعة، بل ادعى صاحب الجواهر: عدم الخلاف فيها بين المسلمين، وإن حكاية الإجماع عليها مستفيض أو متواتر كالتصور.

قال المحقق الكركي، في جامع المقاصد: لا خلاف بين علماء الإسلام في أن من أراد نكاح امرأة، يجوز له النظر إليها في الجملة؛ وقد رواه العامة و الخاصة. و هل يستحب، فيه وجهان.

و قال الشيخ، في الخلاف: يجوز النظر إلى امرأة اجنبية يريد أن يتزوجها إذا نظر إلى ما ليس بعورة فقط. و به قال أبو حنيفة و مالك و الشافعي. ثم نقل اختلاف كلمات العامة و الخاصة في تفسير ما ليس بعورة؛ ثم نقل عن المغربي فقط، أنه لا يجوز أن ينظر إلى شيء منها.

و قال ابن رشد: و أمّا النظر إلى المرأة عند الخطبة، فأجاز ذلك مالك إلى الوجه و الكفين فقط، و أجاز ذلك غيره إلى جميع البدن عدا السواتين، و منع ذلك قوم على الاطلاق.

۲. المسألة ۲۸: يجوز لمن يريد تزويج امرأة أن ينظر إليها بشرط أن لا يكون بقصد التلذذ، و إن علم أنه يحصل بسبب النظر قهراً؛ و بشرط أن يحتمل حصول بصيرة بها؛ و بشرط أن يجوز تزويجها فعلاً، لا مثل ذات البعل و العدة؛ و بشرط أن يحتمل حصول التوافق على التزويج، دون من علم أنها ترد خطبتها؛ و الأحوط الاقتصار على وجهها و كفيها و شعرها و محاسنها، و إن كان الأقوى جواز التعدي إلى المعاصم، بل و سائر الجسد ما عدا العورة. و الأحوط، أن يكون من وراء الثوب الرقيق؛ كما أن الأحوط لو لم يكن الأقوى، الاقتصار على ما إذا كان قاصداً لتزويج المنظورة بالخصوص. فلا يعم الحكم ما إذا كان قاصداً لمطلق التزويج و كان بصدد تعيين الزوجة بهذا الاختبار، و يجوز تكرار النظر إذا لم يحصل الاطلاع عليها بالنظرة الاولى. «تحرير الوسيله للامام الخميني (ره)»

۳. این روایات اصل نگاه به مواضع زینت زنی که قصد ازدواج با او را ثابت می‌کند اما نسبت به محدوده نگاه بین فقها اختلاف است برخی از فقها معتقداند که مرد، بجز عورت به تمام بدن زنی که قصد ازدواج با او را دارد می‌تواند نگاه کند و دلیل شان اطلاق روایاتی است که در این مساله و راد شده است مثل صحیح محمد بن مسلم: «از امام باقر علیه السلام سوال کردم در باره مردی که قصد ازدواج با زنی را دارد آیا می‌تواند به او نگاه کند؟ امام فرمود: بله زیرا بالا ترین ثمن را در برابر او می‌دهد» البته نگاه کردن به عورت به اتفاق فقها جایز نیست.

۴. النور: ۳۱.

الغلام بالصلاة و هو ابن سبع سنين. و لا تغطى المرأة شعرها منه حتى يحتلم الجواز. و لا بدّ من تقييد اطلاق مفهوم الآية الكريمة بها.

ترجمه: اما آشکار کردن زینت زن، نزد پسر نابالغ طبق مقتضای مفهوم آیه شریفه: « زینت خود را نمایان نکنند مگر برای همسرانشان ... یا کودکی که به اندام خاص زن آگاهی ندارد» جایز نیست، مگر این که مقتضای صحیح بزنطی از امام رضا علیه السلام: « پسر بچه هفت ساله به نماز ملزم می‌شود و زن موهای سرش را در برابر او نمی‌پوشاند تا این که محتلم شود (به سن بلوغ برسد) جواز آشکار کردن است لذا ناچاریم اطلاق مفهوم آیه را با صحیحه مقید کنیم.

متن: ۹- و اما جواز النظر إلى المرأة التي يراد التزوج بها، فهو محل وفاق في الجملة لجملة من النصوص، كصحيح هشام بن سالم و حماد بن عثمان و حفص بن البختري عن أبي عبد الله عليه السلام: «لا بأس بان ينظر الى وجهها و معاصمها^۲ إذا أراد ان يتزوجها»^۳، و موثقة غياث بن إبراهيم عن جعفر عن أبيه عن علي عليه السلام: «رجل ينظر إلى محاسن امرأة يريد ان يتزوجها قال: لا بأس انما هو مستام فان يقض أمر يكون»^۴.

ترجمه: ۹. و اما دليل جواز نگاه به زنی که قصد ازدواج با آن را دارد به طور کلی این حالت مورد وفاق تعدادی از روایات مانند صحیح هشام بن سالم و حماد بن عثمان و حفص بن البختري از امام صادق علیه السلام می‌باشد: « اشکالی ندارد مرد به زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند به صورت و جای دست بند او نگاه کند » و موثقه غیاث بن ابراهیم از جعفر که او از پدرش و پدرش از امام علی علیه السلام نقل می‌کند « مردی به محاسن و زینت زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند نگاه می‌کند امام علیه السلام فرمود: اشکالی ندارد او طالب (خواستگار) است و اگر این امر تمام شود با او ازدواج می‌کند.»

۱. وسائل الشیعة ۱۴: ۱۶۹ الباب ۱۲۶ من أبواب مقدمات النکاح الحدیث ۳.

۲. و المعاصم: جمع معصم، و هو موضع السوار من الساعد.

۳. وسائل الشیعة ۱۴: ۵۹ الباب ۳۶ من أبواب مقدمات النکاح الحدیث ۲.

۴. وسائل الشیعة ۱۴: ۶۰ الباب ۳۶ من أبواب مقدمات النکاح الحدیث ۸.

چکیده

۱. به نظر مصنف تمام ادله‌ای که بر حرمت نگاه کردن زن به مرد اقامه شده است مخدوش است.
۲. ضرورت، سیره مسلمین و روایات حمام دلالت می‌کند که نگاه کردن به بدن هم جنس جایز است (بجز عورت).
۳. دلیل جواز نگاه و لمس در حالت ضرورت تراحم است.
۴. دلیل بر جواز نگاه کردن به زنان یائسه ای هست که امید ازدواج در آنان نیست، آیه ۶۰ سوره نور است.
۵. کوتاهی و قصور مقتضای ادله حرمت نگاه به زنان، دلیل بر جواز نگاه کردن به دختر بچه غیر بالغ است و ادله‌ای که بر حرمت نگاه به زن وارد شده است مختص به زنان بالغ است.
۶. دلیل جواز آشکار نمودن زینت در برابر صبی ممیز، صحیحه بزنطی است که مقید اطلاق آیه قرآن نیز می باشد.
۷. ادله جواز نگاه مرد به زنی که قصد ازدواج با او را دارد عبارتند از:

الف) اتفاق فقها

ب) روایات

ساختار

دلیل جواز نگاه به بدن هم جنس } ضروریات فقهی
مقتضای سیره مسلمین }
روایات باب حمام که فقط مئزر (لنگ) را لازم می شمارد. }
اصل براءت }

به زن در مقام ضرورت، تراحم است. }
دلیل جواز نگاه } یائسه، آیه قرآن است.
دختر غیر بالغ، قصور روایات است. }
زنی که قصد ازدواج با او هست } اتفاق
روایات }